

نظام حقوق بشر در ارکان سازمان ملل متحد

هزار محمودی^۱، ابومحمد عسگرخانی^۲، سید باقر میرعباسی^۳

^۱ دانشجوی دکتری حقوق بین الملل عمومی دانشگاه آزاد واحد بین الملل قشم
^۲ دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران
^۳ آستاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

نویسنده مسئول: mahmodihazhar@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۱۵ / تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۱۶

چکیده

دیوان بین المللی دادگستری تنها نهاد قضایی سازمان ملل متحد است که وظیفه حل اختلافات بین المللی میان تابعان حقوق بین المللی دولتها را دارد. دیوان در قضایای ارجاعی به آن تنها زمانی می تواند حکم صادر نماید که قضیه مشخصی به هنگام رسیدگی قضایی در ارتباط با اختلاف واقعی مشتمل بر تعارض حقوقی منافع بین اصحاب دعوی وجود داشته باشد. حکم دیوان می بایست دارای آثار عملی باشد به نحوی که بر حقوق و تکالیف قانونی موجود اثرگذاری عینی داشته باشد. دیوان بین المللی دادگستری در عمل نسبت به مجمع و سایر ارکان ملل متحد به نوعی نظارت عملی و کارکردی دارد که به نوعی تبیین وظایف منشور را بر عهده دارد. در مورد سایر ارکان ملل متحد دیوان به تبیین ماهیت حقوقی قطعنامه ها و اعلامیه های ارکان ملل متحد اقدام نموده است اما در مورد شورای امنیت به دلیل وظیفه خطیر این رکن در حفظ صلح و امنیت بین المللی که در واقع وظیفه اصلی سازمان می باشد چندان به اعمال نظارت اقدام ننموده است و به نوعی استقلال عملی شورا را در هدف خود حفظ کرده است.

کلیدواژه: ارکان اصلی سازمان ملل متحد، شورای امنیت، قطعنامه های مجمع عمومی، نظارت قضایی

مقدمه

به سختی می توان روزی را یافت که در اخبار جهان از حقوق بشر صحبت به میان نیاید. گرچه خود اصطلاح «حقوق بشره جهانی شده و کسی با کاربرد این اصطلاح مخالف نیست ولی کمتر کسی است که به طور واقعی بداند حقوق بشر کدام است و چه اهمیتی دارد؟ همچنین اگرچه آثار فراوانی در خصوص حقوق بشر می توان یافت ولی در مورد تبیین فلسفه آن تلاش کمی صورت گرفته است و بالاخره هنوز جامعه بین الملل موفق به تأسیس دادگاه جهانی حقوق بشر نشده است. در یک نگاه کلی فلسفه تشکیل سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ دفاع از حقوق بشر بوده است. به طور خاص ماده ۱ و بند ب ماده ۱۳ و مواد ۵۵، ۵۶، ۶۸ و ۶۹ منشور ملل متحد در میان سایر مقاصد، اهداف اصلی سازمان را ایمان به حقوق بنیادین بشر، ترویج و تشویق احترام جهانی به حقوق بشر در آزادیهای اساسی و رعایت آنها برای توسعه همکاریهای بین المللی در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی بهداشتی، کمک در جهت شناخت حقوق بشر و آزادیهای بنیادین برای همه، ترویج استانداردهای بالاتر زندگی، ایجاد اشتغال و شرایط توسعه اقتصادی و اجتماعی بر می شمارد. برای نیل به اهداف مذکور در منشور و در اسناد بین المللی دیگر همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی (میثاقین)، که با تلاشهای آن سازمان به وجود آمده اند، دیوان بین المللی دادگستری (د.ب.د) به عنوان رکن اصلی قضایی آن سازمان یکی از ابزارهای مؤثر قانونی جهت تضمین این حقوق در نظر گرفته شده است. دیوان موظف است به دعاوی مطروحه از جمله دعاوی مربوط به حقوق بشر به نحوی که در اساسنامه آن پیش بینی شده است، مطابق با حقوق بین الملل رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نماید.

گفتار اول: مبانی حقوق بشر

منظور از مبانی، دلایلی است که اجرای مسئولیت مدنی را توجیه می کند. در این خصوص نظریات گوناگونی برای توجیه مسئولیت مدنی مطرح شده است. در مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق بشر نیز می بایستی این امر بررسی شود که چرا و با چه توجیهی وارد کننده زیان به حقوق بشر باید از

لحاظ مدنی مسئول شناخته شود؟ استحقاق زیان دیده برای جبران خسارت ناشی از نقض حقوق بشر از کجا ناشی می شود هدف ها و کارکردهای نظام مسئولیت مدنی در این خصوص کدام است؟

بند اول: مبانی مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق بشر

در مبنای مسئولیت مدنی بحث اصلی در این موضوع است که وقتی زمانی به بار می آید که در نتیجه آن فرد یا افرادی دچار گرفتاری و بدبختی می شوند این پرسش اساسی مطرح می شود که هزینه این بدبختی را، که لازمه زندگی اجتماعی است، چه کسی باید تحمل کند (مهرپور، ۱۳۷۷، ص ۴۴) زیان دیده، وارد کننده زیان، واردکننده زیان، جامعه و یا شخص دیگری؟ آنچه که در این خصوص محرز است بدین گونه می باشد که مسئولیت هر شخص در گرو تقصیر شخص می باشد و ملاک اصلی در نظام مسئولیت مدنی تقصیر می باشد البته در احراز تقصیر ملاک هایی چون تقصیر شخصی و نوعی ذکر شده است که در حال حاضر تقصیر نوعی به صورت معقول و متعارف مد نظر می باشد. از این رو، حکم به جبران خسارت متضرر به وسیله فاعل مقصر فعل زیان بار هم منطقی است و هم عادلانه است. زیرا هر شخص مسوول اعمال خویش است. (سوره مدثر، آیه ۳۸) چنین فاعل زیانباری سبب زیان شده و تحمیل جبران بر او منطقی است. حکم به جبران خسارت نیز عادلانه می باشد. زیرا، دور از عدالت است که کسی آثار فعل دیگران را تحمل کند. عدالت حکم می کند که هر کسی بار خویش را بر دوش نکشد. (سوره اسری، آیه ۱۵) تحمیل ضرر بر متضرر بی گناه را هیچ وجدانی نمی پذیرد. (یزدانیان، ۱۳۸۶، ۱۶۱) بنابراین در خصوص مبنای مسئولیت مدنی نظراتی چون تقصیر، خطر و غیره وجود دارد که بر اساس آن نظریات می توان از چگونگی مسوول قلمداد شدن شخصی، صحبت به میان آورد. چرا که؛ در حقوق ایران نیز ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی " هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد." در خصوص توجیه مبنای مسئولیت مدنی نظریه تقصیر را پذیرفته است. و در سایر قوانین نیز مسئولیت های بدون تقصیر و ... پذیرفته شده است ولی به نظر می رسد مبنای اصلی در حقوق ایران نظریه تقصیر باشد مگر در مواردی که استثناء شده باشد؛ و در نقض حقوق بشر نیز همین نظریه تقصیر ملاک ملاک می باشد اما حمایت از جنبه های مختلف مربوط به شخصیت مانند کرامت، حریم خصوصی و ... ایجاب می نماید که در توجیه اثبات تقصیر، در صورت تحقق ارکان مسئولیت مدنی (فعل زیانبار، ضرر و رابطه سببیت)، فعل زیانبار توأم با تقصیر فرض شود مگر فاعل فعل زیانبار عدم تقصیر را اثبات نماید؛ که به صورت موردی ضمن فعل زیانبار بررسی می شود.

بند دوم: منابع و قواعد حقوق بشر

منابع حقوق بین الملل به طور سنتی و متعارف، همان هایی هستند که در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری " دیوان بین المللی دادگستری که مأموریت دارد اختلافاتی را که به او رجوع می شود بر طبق حقوق بین المللی حل و فصل نماید. موازین زیر را اجرا خواهد کرد. الف) عهدنامه های بین المللی را اعم از عمومی و خصوصی که به موجب آن قواعدی معین شده است که طرفین اختلاف این قواعد را به رسمیت شناخته اند. ب) رسوم و عرف بین المللی به منزله دلیل و رویه ای معمول مثل یک اصل حقوقی قبول شده است. ج) اصول عمومی حقوقی که مقبول ملل متمدن است. د) با رعایت حکم ماده ۵۹ تصمیمات قضایی و عقاید برجسته ترین مبلغین ملل مختلف را به منزله وسایل فرعی برای تعیین قواعد حقوقی. بند ۲) مقررات این ماده حقی را که دیوان دادگستری بین المللی دارد و به موجب آن می تواند در صورت تقاضای طرفین درباره آن به نحوی تساوی طبق قانون حکم دهد خللی وارد نمی آورد." ذکر شده اند و در حقیقت در هیچ سند بین المللی دیگری منابع حقوق بین الملل به روشنی ذکر نشده اند. بنابراین نقطه شروع بحث از منابع حقوق بین الملل همانا ماده ۳۸ اساسنامه دیوان است. اما در این ماده منابع مورد استناد دیوان بین المللی دادگستری مورد اشاره قرار گرفته و نه منبع حقوق بین الملل. به این معنا که دیوان بین المللی دادگستری مورد اشاره قرار گرفته و نه منبع حقوق بین الملل. به این معنا که دیوان بین المللی در مقام رسیدگی به اختلافات بین المللی بین کشورها، به این منابع استناد می کند و اصولاً تدوین این ماده ناظر به استانداردهای بین المللی حقوق بشر نبوده است. از این رو منابع حقوق بشر عبارتند از (ساک، پیشین، ۱۸۹)

- معاهدات حقوق بشری.

- عرف های بین المللی حقوق بشری.

- اصول کلی حقوقی.

- تصمیمات قضایی بین المللی.

گفتار دوم: اسناد بین‌المللی حقوق بشر

در بحث از منابع حقوق بشر و به ویژه منابع بین‌المللی حقوق بشر با عبارت «اسناد بین‌المللی حقوق بشر» بیشتر مواجه می‌شویم. زیرا بی‌شک یکی از مهمترین منابع بین‌المللی بشر را می‌توان اسناد بین‌المللی دانست که در راستای به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های اساسی تدوین و به تصویب رسیده‌اند. عبارت مزبور اشاره به نوعی از طبقه‌بندی اسناد حقوق بشری داشته و گاهی از آن با اصطلاح اسناد جهانی نیز یاد می‌شود. این امر که توسعه و تثبیت استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر عمدتاً از طریق تدوین و تصویب اسناد حقوق بشری و به ویژه اسناد بین‌المللی حقوق بشر صورت پذیرفته و اینک این اسناد در زمره مهمترین منابع حقوق بشر محسوب می‌شوند، غیر قابل انکار است.

بند اول: منشور سازمان ملل

ماده ۱ منشور ملل متحد، مقاصد و اهداف سازمان ملل را در چهار بند بیان می‌کند و بند ۳ آن به این شرح است: «حصول همکاری بین‌المللی در حل مسائل بین‌المللی که دارای جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی یا بشردوستانه است و در پیشبرد و تشویق و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان، بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب.» تعهدات اساسی سازمان ملل و دولت‌های عضو، برای دستیابی به این اهداف در مواد ۵۵ و ۵۶ منشور آمده است. ماده ۵۵ مقرر می‌دارد: «با توجه به ضرورت ایجاد شرایط ثبات و رفاه برای تأمین روابط مسالمت‌آمیز و دوستانه بین‌المللی براساس احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل، سازمان ملل متحد، امور زیر را تشویق خواهد کرد:

الف- بالا بردن سطح زندگی، فراهم ساختن کار برای همه، حصول شرایط ترقی و توسعه در نظام اقتصادی و اجتماعی.

ب- حل مسائل بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و مسائل مربوط به آنها و همکاری بین‌المللی فرهنگی و آموزشی و...

ج- احترام جهانی و موثر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس و زبان یا مذهب.

ماده ۵۶ می‌گوید: «کلیه اعضاء متعهد می‌شوند که برای نیل به مقاصد مذکور در ماده ۵۵ در همکاری با سازمان ملل متحد اقدامات فردی یا دسته جمعی معمول دارند.» با اینکه موضوع حقوق بشر و تکلیف مقرر در ماده ۵۵ منشور در این زمینه به نحو وسیع و گسترده‌ای مطرح شده ولی اختیارات محدودی به سازمان ملل داده شده است. وظیفه سازمان ملل، ارتقاء حقوق بشر است و این مسئولیت به عهده مجمع عمومی و شورای اقتصادی - اجتماعی گذاشته شده که قطعنامه‌های آنها در این زمینه علی‌الاصول الزام‌آور نیست. تعهد دولت‌های عضو نیز طبق ماده ۵۶ محدود به تشویق به رسیدن به مقاصد مذکور در ماده ۵۵ است یعنی تشویق به احترام جهانی به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. حقوق بشر و آزادی‌های اساسی هم در منشور تعریف نشده است. با این حال می‌توان گفت منشور شرط عدم تبعیض در اجرای حقوق و آزادی‌ها را صریحاً ذکر کرده و بنابراین با مقایسه ماده ۵۶ و بند ج ماده ۵۵ می‌توان این نتیجه را گرفت که دولت‌های عضو سازمان ملل متعهدند حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان، یا مذهب ارتقاء دهند. به هر حال مواد ۱۳، ۶۲ و ۶۸ منشور نیز به حقوق بشر پرداخته و مجمع عمومی و شورای اقتصادی اجتماعی را موظف به انجام مطالعات و تشکیل کمیسیونها و دادن توصیه‌هایی در جهت تحقق حقوق بشر می‌نمایند: بند ۱ ماده ۱۳ مقرر می‌دارد: مجمع عمومی نسبت به امور زیر موجبات مطالعات و صدور توصیه‌هایی را فراهم می‌کند:

الف) ترویج همکاری بین‌المللی در امور سیاسی و تشویق توسعه تدریجی حقوق بین‌المللی و تدوین آن

ب) ترویج همکاری بین‌المللی در رشته‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و بهداشتی و کمک به تحقق حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان و مذهب.

و بند ۲ ماده ۶۲ می‌گوید: شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند به منظور تشویق احترام واقعی به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه توصیه‌هایی بنماید. ماده ۶۸ نیز در این مقام بیان می‌دارد: شورای اقتصادی و اجتماعی کمیسیونهایی برای مسائل اقتصادی و اجتماعی و ترویج حقوق بشر و همچنین هر گونه کمیسیونهای دیگری که برای اجرای وظایفش ضروری باشد تاسیس می‌کند. بند ج ماده ۷۶ منشور نیز در فصل دوازدهم تحت عنوان نظام قیومیت بین‌المللی، یکی از اهداف اساسی نظام قیومت را این گونه بیان کرده است: تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان، یا مذهب و تشویق شناسایی این معنی که ملل جهان به یکدیگر نیازمند می‌باشند. در مقدمه منشور نیز به ایمان ملل متحد به حقوق اساسی بشر با این عبارات تصریح شده است: «ما مردم ملل با تصمیم به اعلام مجدد ایمان خود به حقوق اساسی بشر و به حیثیت و ارزش شخصیت انسانی و به تساوی حقوق بین مرد و زن و همچنین بین ملت‌ها اعم از کوچک و بزرگ و به ایجاد شرایط لازم برای حفظ عدالت و کمک به ترقی اجتماعی و شرایط زندگی بهتر با آزادی بیشتر»

بند دوم: منشور بین‌المللی حقوق بشر

منشور بین‌المللی حقوق بشر عبارت است از: اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و حقوق بشر اختیار انجام هیچ کاری را در رابطه با شکایات واصله مربوط به حقوق بشر ندارد، ولی در این قطعنامه پیش‌بینی شده بود که دبیرکل

سازمان ملل شکایات واصله را گردآوری و در یک لیست محرمانه نگهداری نماید و عنداللزوم در جلسه خصوصی به طور محرمانه و بدون افشای نام نویسندگان، شکوائیه در اختیار اعضای کمیسیون قرار داده شود.

(THE UNITED NATIONS AND HUMAN RIGHTS ... P. 150)

بین سال‌های ۱۹۴۷ و ۱۹۵۹، کوشش‌های مختلف صورت گرفت تا اکوسوک را وادار به تغییر تصمیم ۱۹۴۷ خود بنماید و به کمیسیون برای رسیدگی به شکایات مربوط به نقض حقوق بشر، اختیار بدهد. این کوشش‌ها موفقیت‌آمیز نبود و سرانجام در ۳۰ ژوئیه ۱۹۵۹ قطعنامه شماره ۷۲۸F از سوی اکوسوک تصویب شد که باز هم عدم اختیار کمیسیون حقوق بشر برای انجام هر نوع عملی در زمینه رسیدگی به شکایات مورد تأیید و تأکید قرار گرفت. در این قطعنامه ترتیباتی برای دسته‌بندی شکایات واصله به محرمانه و غیرمحرمانه و چگونگی اطلاع اعضای کمیسیون و نیز اعضای کمیسیون فرعی حقوق بشر از آنها داده شد و مقرر گردید به نویسندگان شکوائیه ضمن اعلام وصول شکایتشان، خاطر نشان شود که کمیسیون صلاحیتی برای انجام هیچ گونه کاری در مورد شکایت آنها ندارد. در بند ۴ قطعنامه مزبور به کمیسیون حقوق بشر پیشنهاد شد در هر اجلاس یک کمیته ویژه ایجاد کند که اندکی قبل از اجلاس بعدی کمیسیون، تشکیل جلسه دهد و فهرست شکایات را که از سوی دبیرکل تهیه شده، جهت قرار دادن در اختیار اعضای کمیسیون در صورت درخواست، مورد بررسی قرار دهد (ساک، ۲۰۴). به تدریج باز هم کوشش‌هایی برای تغییر این نظر و امکان رسیدگی کمیسیون حقوق بشر به برخی موارد جدی نقض حقوق بشر ادامه یافت تا اینکه سرانجام دو قطعنامه معروف ۱۲۳۵ و ۱۵۰۳ از سوی شورای اقتصادی و اجتماعی (اکوسوک) صادر شد که روش‌های رسیدگی کمیسیون به اطلاعات مربوط به نقض حقوق بشر را اعلام داشت. البته در خلال آن سالها، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و پروتکل‌های الحاقی آن. در همان هنگام بررسی و تصویب منشور ملل متحد در کنفرانس سانفرانسیسکو متنی هم به نام «اعلامیه حقوق اساسی انسان» تهیه و به عنوان ضمیمه منظور مطرح شد، ولی در آن موقع متن مزبور مورد رسیدگی و تصویب قرار نگرفت. بلافاصله پس از پایان کنفرانس سانفرانسیسکو، کمیسیون تدارکاتی سازمان ملل تشکیل جلسه داد و از شورای اقتصادی و اجتماعی خواست که در اجرای ماده ۶۸ منشور، کمیسیونی جهت تشویق و ارتقاء حقوق بشر تشکیل دهد. شورای مزبور نیز در اوایل سال ۱۹۴۶ کمیسیون حقوق بشر را تشکیل داد. کمیسیون مزبور ابتدا براساس تصمیم نخستین جلسه مجمع عمومی سازمان ملل که در ژانویه ۱۹۴۶ در لندن تشکیل شد، مأمور تهیه منشور بین‌المللی حقوق بشر گردید؛ ولی به زودی معلوم شد که تصویب یک متن ناصحانه و اندرزگر بسیار آسانتر از تصویب معاهده‌ای است که برای امضاء کنندگان آن تعهدآور و الزام‌آور است. از این رو تصمیم گرفته شد روی دو سند کار شود: یک سند به شکل اعلامیه که در آن اصول و معیارهای کلی حقوق بشری ذکر شود و سند دیگر به شکل معاهده و قرارداد، حقوق و محدودیتهای آن را تعریف نموده و به صورت قرارداد الزام‌آور در معرض امضاء و تصویب دولتها قرار دهد. قرار شد کمیسیون روی دو متن کار کند: یکی اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگری کنوانسیون بین‌المللی حقوق بشر. کمیسیون حقوق بشر در اجلاس سال ۱۹۴۷ خود تصمیم گرفت به هر دو نوع سند در دست تهیه خود در زمینه حقوق بشر، اصطلاح «منشور بین‌المللی حقوق بشر» INTERNATIONAL BILL OF HUMAN RIGHTS اطلاق نماید بنگرید:

THE INTERNATIONAL BILL OF HUMAN RIGHTS: FACT SHEET NO 2/ CENTER FOR HUMAN RIGHTS UNITED NATIONS GENEVA / 1996 P3(FACT SHEET.NO.2.P4)

کمیسیون سه گروه کاری تشکیل داد: یکی برای تهیه اعلامیه، دیگری برای تهیه کنوانسیون و یک گروه کاری برای تهیه راهکارهای اجرایی به هر حال اعلامیه حقوق بشر تهیه و آماده شد و چنانکه خواهیم دید در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید. ولی تصویب کنوانسیون که سند الزام آور بود ۱۸ سال بعد از تصویب اعلامیه یعنی در ۱۶ دسامبر سال ۱۹۶۶ تحت سه عنوان میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و پروتکل الحاقی به میثاق حقوق مدنی و سیاسی تصویب شد. در مباحث آینده به ترتیب هر یک از این اسناد یا منشور چهارگانه بین‌المللی را مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهیم داد. (پروتکل دوم الحاقی به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز در این مجموعه بررسی می‌شود که به این ترتیب تعداد آنها پنج عدد خواهد بود)

بند سوم: کنوانسیون بین‌المللی محو هر نوع تبعیض نژادی

این کنوانسیون در ۲۱ دسامبر سال ۱۹۶۵ طی قطعنامه شماره A(XX) ۲۱۰۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید. طبق ماده ۱۹، سی روز پس از تودیع بیست و هفتمین سند تصویب یا الحاق به دبیر کل سازمان ملل، کنوانسیون قدرت اجرایی پیدا خواهد کرد و هر دولتی که بعد از تاریخ مزبور آن را تصویب نماید، سی روز پس از تودیع سند الحاق یا تصویب برایش لازم‌الاجرا است. کنوانسیون یاد شده با توجه به تحقق شرط مندرج در ماده ۱۹ در تاریخ ۴ ژانویه ۱۹۶۹ قدرت اجرایی پیدا کرد. کنوانسیون مشتمل بر یک مقدمه نسبتاً طولانی و ۲۵ ماده است.

تعریف تبعیض نژادی: در ماده ۱، تبعیض نژادی مورد نظر کنوانسیون تعریف شده است. بند یک ماده مزبور مقرر می‌دارد اصطلاح «تبعیض نژادی» از نظر این کنوانسیون به معنای هر گونه تبعیض، محرومیت، محدودیت یا امتیاز بر مبنای نژاد، رنگ، اصل و نسب، یا ریشه ملی یا قومی است که در شناسایی، برخورداری یا اجرای مساوی حقوق بشر و آزادیهای اساسی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سایر زمینه‌های مربوط به زندگی عمومی لطمه وارد می‌سازد. در بندهای ۲، ۳ و ۴ از ماده یک، به این معنی اشاره شده که مقررات مختلف و متفاوتی که دولتها در مورد اتباع خود و بیگانگان وضع و اجرا می‌کنند یا قواعدی که مربوط به تابعیت دارند، مشمول تعریف تبعیض نژادی فوق‌الذکر نمی‌گردد. همچنین اگر با هدف تسریع در وصول به تساوی و رفع تبعیض، حمایت‌های خاصی از گروهی به عمل آید، این امر تبعیض محسوب نمی‌شود مشروط بر اینکه پس از رسیدن به هدف با همه یکنواخت رفتار شود و حقوق ویژه‌ای برای افراد و یا گروه‌های خاصی به وجود نیاید. دیوان دادگستری بین‌المللی (I.C.J.) در نظریه مشورتی خود در مورد نتایج قانونی ادامه حضور آفریقای جنوبی در نامبیا (۱۹۷۱) تعریف ماده ۱ کنوانسیون از عبارت تبعیض نژادی را به عنوان تفسیر معتبر از مفهوم و قلمرو عبارت عدم تبعیض NON – DISCRIMINATION در منشور ملل متحد پذیرفته است (ساکی)

تکلیف دولتها: ماده ۲ دولتهای عضو را متعهد می‌کند که تبعیض نژادی را محکوم نموده و بدون تاخیر از طریق مقتضی سیاست محو انواع تبعیض نژادی و برقراری تفاهم ملی را به مرحله اجرا گذارند از هیچ قانون یا رویه عملی تبعیض نژادی علیه افراد یا گروه‌ها حمایت نکنند اقدامات موثر در تجدیدنظر در سیاستهای دولتی ملی و محلیو نیز اصلاح یا نسخ قوانین مربوط به تبعیض نژادی به عمل آورند. دولتهای عضو متعهدند نه تنها خود به تبعیض نژادی دست نزنند بلکه باید آن را ممنوع کنند و با اقدامات مناسب و از جمله وضع قوانین مانع تبعیض نژادی از سوی هر فرد یا گروهی شوند. طبق ماده ۳ دولتهای عضو متعهد می‌شوند که بخصوص جدایی نژادی و آپارتاید را محکوم نمایند و هر نوع اقدام را که از چنین طبیعتی برخوردار باشد ممنوع کرده و آن را در قلمرو حکومت خود محو نمایند. ماده ۴ دولتهای عضو را متعهد می‌سازد هر گونه تبلیغات یا سازمانهای مبتنی بر تفکر و تئوری برتری یک نژاد یا گروهی از انسانهای متعلق به یک رنگ یا قومی خاص را محکوم نموده و اقدامات فوری و مثبت برای از بین بردن این تئوریها و اعمال را انجام دهند و بدین منظور باید هر گونه تبعیض نژادی یا تبلیغ برای آن را طبق قانون جرم قابل مجازات اعلام نمایند و سازمانها و تبلیغات سازمان یافته مربوط به تبعیض نژادی را غیرقانونی اعلام کنند. ماده ۵ یک فهرست طولانی از حقوق اساسی مدنی، سیاسی و اقتصادی اجتماعی و فرهنگی که دولتهای عضو متعهدند آنها را به طور مساوی برای همه اجرا نمایند، ذکر کرده است؛ مانند رفتار مساوی در برابر دادگاه و سایر ادارات، حق امنیت شخصی، حق شرکت در انتخابات و رأی دادن و کاندیدا شدن، آزادی رفت و آمد، حق تابعیت و... که در اعلامیه حقوق بشر و میثاقین ذکر شده است. طبق ماده ۶، دولتهای عضو متعهدند از افرادی که در اثر اعمال تبعیض نژادی حقوقشان نقض می‌شود، از طریق دادگاه‌های صلاحیتدار حمایت کنند و به موجب ماده ۷، دولتها باید برای محو تبعیض نژادی، اقدامات لازم را جهت آموزش و بالا بردن سطح فرهنگ و ایجاد روحیه تسامح و تفاهم به عمل آورند.

بند چهارم: کمیته رفع تبعیض نژادی و وظایف آن

برای نظارت بر اجرای مقررات کنوانسیون، طبق ماده ۸، کمیته‌ای به نام کمیته رفع تبعیض نژادی (CERD) مرکب از ۱۸ عضو از کارشناسان عالی‌رتبه و برخوردار از صلاحیت بالای اخلاقی تشکیل می‌شود. این افراد از بین کسانی که به وسیله دولتهای عضو پیشنهاد می‌گردند، با رأی مخفی آنها برای مدت ۴ سال انتخاب می‌شوند و با صلاحیت شخصی خود کار می‌کنند.

الف- رسیدگی به گزارش دولتها: وظیفه مهم کمیته رفع تبعیضات نژادی، رسیدگی به گزارشهای تقدیمی از سوی دولتهای عضو است. طبق ماده ۹، دولتهای عضو موظفند گزارش اقدامات خود را در زمینه‌های قانونگذاری، قضایی و اداری در جهت اجرای مقررات کنوانسیون برای رسیدگی کمیته تقدیم دارند. چگونگی تقدیم گزارش چنین است: ابتدا هر دولت پس از گذشت یک سال از تاریخ لازم الاجرا شدن کنوانسیون برای او، باید گزارشی تقدیم نماید و سپس هر دو سال یک بار و نیز هر وقت کمیته لازم دانست گزارش خود را تقدیم دارد. کمیته، فعال خود و نیز هر گونه پیشنهاد و توصیه‌ای را که دارد، طی گزارش سالانه از طریق دبیرکل به مجمع عمومی سازمان ملل تقدیم می‌کند.^۱

ب- رسیدگی به اعلام شکایت دول عضو علیه یکدیگر: وظیفه دیگر کمیته، رسیدگی به شکایت یکی از دول عوض علیه دولت دیگر نسبت به عدم رعایت مقررات کنوانسیون رفع تبعیض نژادی است. طبق ماده ۱۱ اگر یک دولت عضو ببیند دولت دیگر مقررات کنوانسیون را اجرا نمی‌کند می‌تواند موضوع را در کمیته مطرح کند و خواستار رسیدگی شود و کمیته با تشریفات که در ماده مزبور ذکر شده به این موضوع رسیدگی می‌کند. نکته قابل ملاحظه این است که برخلاف کمیته حقوق بشر که اگر دولتی از دولت دیگر نسبت به عدم رعایت مقررات میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به کمیته شکایت می‌کرد در صورتی کمیته رسیدگی می‌نمود که دولت مربوطه قبلاً طی اعلامیه‌ای صلاحیت کمیته را برای این رسیدگی پذیرفته باشد در اینجا پذیرش جداگانه صلاحیت کمیته از سوی دولت عضو لازم نیست و نفس الحاق به کنوانسیون این معنی را نیز با خود دارد که کمیته صلاحیت

^۱ آقایی جنت مکان، حسین، ضرورت تشکیل دادگاه جهانی حقوق بشر، مجله اندیشه‌های حقوق خصوصی، سال پنجم شماره ۱۳، ۱۳۸۷.

رسیدگی به شکایت دولت عضو علیه عضو دیگر را داراست. به هر حال تاکنون از مکانیزم شکایت دولتی علیه دولت دیگر نسبت به عدم اجرای مقررات کنوانسیون استفاده نشده است.

بند پنجم: کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و کنوانسیون کودک

کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ طی قطعنامه ۳۴/۱۸۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید و در سوم سپتامبر ۱۹۸۱ با گذشتن سی روز از تودیع بیستمین سند الحاق یا تصویب، لازم الاجرا شد. مسأله تساوی زن و مرد از جهات مختلف و رفع هر گونه تبعیض بین آنان در برخورداری از مواهب زندگی و حقوق اجتماعی و سیاسی در همه اسناد حقوق بشری سازمان ملل، از جمله منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و... مطرح شده و مورد تأکید قرار گرفته است؛ با این حال، طرفداران تساوی کامل حقوق زن و مرد، این اسناد بین‌المللی را برای تأمین حقوق مساوی زنان و زدودن هر نوع تبعیض علیه آنان کافی ندانستند. در مقدمه کنوانسیون با یادآوری وجود اسناد مزبور و با اشاره به قطعنامه‌ها، اعلامیه‌ها و توصیه‌نامه‌های پذیرفته شده از سوی سازمان ملل و دیگر سازمانهای تخصصی وابسته به سازمان ملل در ارتباط با ارتقای تساوی حقوق زنان و مردان، ابراز نگرانی شده که «به رغم همه این اسناد و ابزارهای مختلف، تبعیض گسترده علیه زنان ادامه دارد»^۲. بنابراین، به این فکر افتادند که برای تضمین رعایت حقوق زنان و تساوی آنها، ابزار قوی‌تر، مقررات و ضوابط روشن‌تر و سند تعهدآور محکمتری لازم است، از این رو مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۷ نوامبر سال ۱۹۶۷ اعلامیه رفع تبعیض علیه زنان را در یک مقدمه و ۱۱ ماده به تصویب رساند.^۳ در سال ۱۹۷۲ دبیر کل سازمان ملل از کمیسیون مقام زن COMISSINONON THE STATUS OF WOMEN خواست تا نظر دولتهای عضو را نسب به شکل و محتوای یک سند بین‌المللی در زمینه حقوق زنان جویا شود. سال بعد یک گروه کاری از سوی شورای اقتصادی و اجتماعی جهت بررسی تنظیم چنین کنوانسیونی تعیین شد. در سال ۱۹۷۴ کمیسیون مقام زن تنظیم پیش‌نویس کنوانسیون حذف تبعیض علیه زنان را آغاز کرد. کنفرانس جهانی سال بین‌المللی زن که در ۱۹۷۵ منعقد شد کمیسیون را در انجام این کار تشویق نمود. کنفرانس یک برنامه کاری PLAN OF ACTION را تحت عنوان کنوانسیون حذف تبعیض علیه زنان با روشهای موثر برای اجرای آن تصویب نمود. به هر حال کمیسیون مقام زن کار تنظیم کنوانسیون را دنبال نمود و در سال ۱۹۷۷ پیش‌نویس تهیه شده را به مجمع عمومی سازمان ملل تقدیم کرد. مجمع عمومی گروه کاری ویژه‌ای را جهت تنظیم نهایی پیش‌نویس کنوانسیون مامور نمود و سرانجام همان طور که گفتیم در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ طرح مزبور با عنوان کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض علیه زنان CONVENTION ON THE ELIMINATION OF ALL FORMS OF DISCRIMINATION AGAINST WOMEN از تصویب مجمع عمومی سازمان ملل گذشت.^۴ کنوانسیون مشتمل بر یک مقدمه نسبتاً مشروح و ۳۰ ماده است که در شش بخش تنظیم گردیده است. طبق ماده ۲۵، کنوانسیون برای امضاء و الحاق همه دولتها مفتوح است و اسناد تصویب و الحاق دولتها به کنوانسیون باید به دبیر کل سازمان ملل تسلیم گردد. براساس ماده ۲۷، سی روز پس از تودیع بیستمین سند الحاق یا تصویب کنوانسیون نزد دبیر کل لازم الاجرا می‌شود. برای دولتهایی که پس از تسلیم بیستمین سند به کنوانسیون ملحق می‌شوند، بعد از گذشتن سی روز از تاریخ تسلیم سند الحاق، کنوانسیون برای آنها لازم الاجرا می‌گردد. کنوانسیون در تاریخ ۳ سپتامبر ۱۹۸۱ طبق ضوابط مقرر در ماده ۲۷ لازم الاجرا شده است.^۵

بند ششم: کنوانسیون حقوق کودک

کودکان از آن جهت که رقم بزرگی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و به عنوان مردان و زنان آینده سرنوشت عالم را در دست خواهند گرفت رسیدگی به وضعیت و تربیت و آموزش صحیح آنها تاثیر زیادی در آینده جهان و به خصوص توسعه صلح و آرامش جامعه بشری خواهد داشت. این امر از یک سو و از سوی دیگر واقعیت‌های موجود در مورد کودکان و نابسامانی‌ها و مصائبی که در مورد بسیاری از کودکان وجود داشته و حتی امروزه نیز در

^۲ عین عبارت چنین است:

CONCERNED HOWEVER THAT DSIPTE OF THESE VARIOUS INSTRUMENTS EXTENSIVE DISCRIMINATION AGAINST WOMEN CONTINUES TO EXSIT

برای ملاحظه متن کنوانسیون بنگرید:

A COMPILATION OF INTERNATIONAL INSTRUMENTS UNITED NATIONS, NEW YORK. 1988 P 1 11.3

^۳ همان منبع ص ۱۰۸

^۴ HUMAN RIGHTS DISCRIMINATION AGAINST WOMEN THE CONVENTION AND THE COMMITTED FACT SHEET NO 22 UNITED NATIONS GENEVA MOVEMBER 1994, P 5

^۵ ACOMPILATION OF INTERNATIONAL INSTRUMENT P. 112.

گوشه و کنار دنیا به چشم می‌خورد اهمیت رسیدگی به آنها و برقراری مقرراتی در جهت تبیین وضعیت و حقوق آنان و پیگیری اجرای آن مقررات را نمایان می‌سازد.

وضعیت نگران کننده کودکان: براساس اطلاعات منتشره از سوی مرکز حقوق بشر سازمان ملل حدود ۱۰۰ میلیون کودک به خاطر ترک خانواده-هایشان از طریق کارهای سخت یا ارتکاب جرم یا فحشا و یا گدایی امرار معاش می‌کنند. بیش از ۵۰ میلیون کودک در شرایط ناسالم و غیربهداشتی کار می‌کنند ۱۲۰ میلیون کودک در سنین بین ۶ و ۱۱ سالگی از مدرسه مرحماند ۳/۵ میلیون کودک سالانه در اثر بیماریهایی که قابل پیشگیری و معالجه هستند جان خود را از دست می‌دهند. حدود ۱۵۵ میلیون کودک زیر ۵ سال در کشورهای در حال توسعه در فقر مطلق بسر می‌برند و میلیونها کودک در سراسر جهان و از جمله در کشورهای مرفه و ثروتمند مورد بدرفتاری و بی‌مهری واقع می‌شوند از آنها بهره‌برداری جنسی می‌شود و قربانی سوء استفاده در مواد مخدر قرار می‌گیرند^۶ و همه اینها اهمیت این مطلب را روشن می‌کند که باید حقوق کودکان را شناخت و برای اجرای آن تلاش نمود.^۷

گفتار سوم: نهادهای حقوق بشری سازمان ملل

افزایش نهادهای نظارتی که بر مبنای معاهدات حقوق بشری ایجاد شده اند «مجمع عمومی»، نهادهای متنوع دیگری هم در چارچوب سازمان ملل وجود دارند که اصول پایه ای و اساسی ایجاد آن ریشه در منشور سازمان ملل متحد دارد. مهمترین این ارگان های حقوق بشری که از ارکان فرعی رکن های اصلی ملل متحد می باشند، عبارتند از کمیسیون حقوق بشر تا جایگزین شدنش در سال ۲۰۰۶ توسط شورای حقوق بشر، کمیسیون رفع تبعیض و حمایت از اقلیت ها، کمیسیون مقام زن و کمیساریای عالی حقوق بشر. البته باید متذکر شد که رویه ی سازمان ملل در خصوص پرداختن به مسائلی که منجر به نقض اساسی و جدی حقوق بشر می شود، توسعه یافته است. ۸. در این راستا حقوق بشر بین الملل تابع یک سری کنوانسیونها و اسناد حقوق بشری است. هنگامی که کنوانسیونی به تصویب کشوری می‌رسد، آن کشور قانوناً موظف است که به آن حقوق احترام بگذارد و باید مطمئن شود که قوانین ملی اش با ترویج و محافظت حقوقی درج شده در این کنوانسیونها مطابقت دارد. کشور ایران پنج تا از نه کنوانسیون «اصلی» حقوق بشر را تصویب کرده است.

بند اول: نهادهای ناشی از معاهدات

این نهادها، تشکیلاتی هستند که به وسیله کنوانسیونهای مختلف حقوق بشری به وجود آمده و وظیفه عمده‌شان نظارت بر اجرای صحیح کنوانسیون مربوطه از سوی دولت‌های عضو و بررسی گزارشهای ارائه شده از سوی آنها و احیاناً دادن توصیه‌ها و تفسیرهایی در جهت کمک بیشتر به حسن اجرای کنوانسیون است و در واقع بازوی اجرای کنوانسیون مربوطه هستند و چون تشکیل و تأسیس آنها به موجب مقررات کنوانسیون است، به آنها «نهادهای ناشی از معاهده» گفته می‌شود. این نهادها عبارتند از:

- ۱- کمیته حقوق بشر (HRC) ناشی از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی
- ۲- کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ESCR) ناشی از قطعنامه ۱۹۸۵/۱۷۰ شورای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (اکوسوک) در ارتباط با میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی
- ۳- کمیته رفع تبعیض علیه زنان (CEDAW) ناشی از کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان
- ۴- کمیته رفع تبعیض نژادی (CERD) ناشی از کنوانسیون رفع تبعیض نژادی
- ۵- کمیته ضد آپارتاید ناشی از کنوانسیون محو و مجازات جنایت آپارتاید
- ۶- کمیسیون ضد آپارتاید در ورزش ناشی از کنوانسیون ضد آپارتاید در ورزش
- ۷- کمیته ضد شکنجه (CAT) ناشی از کنوانسیون ضد شکنجه و دیگر انواع رفتار و مجازات خشن، غیر انسانی و تحقیر کننده

⁶ THE RIGHTS OF THE CHILD FACT SHEET NO 10 P 2

و نیز بنگرید: گزارش تکان دهنده گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر در زمینه فروش کودکان فحشا کودک و تهیه صور قبیحه از کودکان که در فوریه ۱۹۹۷ به پنجاه و سومین اجلاس کمیسیون حقوق بشر ارائه شد به شماره E/CN.4/1997/95 که حاوی اطلاعات وحشتناکی در مورد رشد فزاینده بهره‌برداری و سوء استفاده جنسی از کودکان و تشکیل بازارها و موسسات برای خرید و فروش و بهره‌برداری جنسی و صور قبیحه از کودکان می‌باشد.

^۷ مهرپور، پیشین، صص ۷۰ تا ۷۶

⁸ Buergenthal, Thomas, 2002, International Human Rights in a Nutshell, Third Edition, West Group, p.26.

۸- کمیته حقوق کودک (CRC) ناشی از کنوانسیون حقوق کودک

چگونگی تشکیل، وظایف و نحوه عمل این نهادها قبلاً در ضمن بیان کنوانسیونهای مربوطه اجمالاً توضیح داده شده و دیگر نیازی به تکرار نیست.

بند دوم: نهادهای مبتنی بر منشور

هر چند مجمع عمومی سازمان ملل و کمیته سوم آن شورای اقتصادی و اجتماعی و حتی گاه شورای امنیت سازمان ملل نیز به مسائل مربوط به حقوق بشر می‌پردازند ولی چند نهاد عمده در چهارچوب سازمان ملل ایجاد شده‌اند که ریشه اصلی آنها در منشور ملل متحد است و مشخصاً مأموریت آنها رسیدگی به مساله حقوق بشر است. این چهار نهاد عمده عبارتند از: کمیسیون حقوق بشر (شورای حقوق بشر) کمیسیون فرعی جلوگیری از تبعیض و حمایت از اقلیتها (کمیسیون فرعی پیشبرد و حمایت از حقوق بشر) کمیسیون مقام زن و کمیساریای عالی حقوق بشر که به شرح اجمالی هر یک از آنها می‌پردازیم:

الف (کمیسیون حقوق بشر)^۹ (شورای حقوق بشر)

ماده ۶۸ منشور ملل متحد به شورای اقتصادی و اجتماعی (اکوسوک ECOSOC) مأموریت می‌دهد که کمیسیونهایی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و ترویج و ارتقاء حقوق بشر ایجاد کند. شورای مزبور در سال ۱۹۴۶ طی قطعنامه شماره ۵ خود کمیسیون حقوق بشر را ایجاد نمود (مهرپور، ۱۳۷۷، ۱۹۱) و مأموریت محوله را انجام داد. کمیسیون حقوق بشر در ابتدا مرکب از ۱۸ عضو بود که با قطعنامه‌های مختلف شورای اقتصادی و اجتماعی چند بار افزایش یافت و سرانجام به حکم قطعنامه شماره ۱۹۹۰/۴۸ همان شورا، تعداد اعضای کمیسیون حقوق بشر به ۵۳ عضو بالغ می‌شد که بر طبق فرمول خاصی برای حفظ توزیع متعادل جغرافیایی بین مناطق مختلف جهان تقسیم شده‌اند. اعضای مزبور بوسیله شورای اقتصادی و اجتماعی تعیین می‌شوند. (همان، ۱۹۲) دولتها، نمایندگان خود را در کمیسیون تعیین می‌کنند و آنها با تعلیمات دولت خود و طبق دستور او در کمیسیون انجام وظیفه می‌کنند. نه به عنوان صلاحیت شخصی خود^{۱۰}. برخلاف آنچه در مورد اعضای نهادهای ناشی از معاهدات چون کمیته حقوق بشر و امثال آن دیدیم که تأکید شده، اعضاء بر مبنای صلاحیت و شایستگی فردی خود عمل می‌کنند.

ب (کمیسیون فرعی پیشبرد و حمایت از حقوق بشر)^{۱۱}

کمیسیون فرعی پیشبرد و حمایت از حقوق بشر (SUB Commission on promotion and Protection of Human rights) یک نهاد فرعی و مکمل کمیسیون حقوق بشر است که در سال ۱۹۴۷ براساس قطعنامه شماره ۹۲۲ مورخ ۲۱ ژوئن ۱۹۴۶ شورای اقتصادی و اجتماعی (اکوسوک) تاسیس شد و مأموریت آن انجام مطالعات در پرتو اعلامیه جهانی حقوق بشر و توصیه به کمیسیون حقوق بشر درباره جلوگیری از تبعیض از هر گونه که باشد در خصوص حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و حمایت از اقلیت‌های نژادی، ملی، مذهبی و زبانی و نیز انجام وظیفه دیگری که ممکن است از طرف شورای اقتصادی و اجتماعی و یا کمیسیون حقوق بشر به آن محول شود، می‌باشد^{۱۲}. امروزه با ارجاعات زیادی که به کمیسیون فرعی شده و می‌شود دامنه صلاحیت آن گسترش یافته و تقریباً خود را با عمده مسائل حقوق بشری درگیر کرده است. استقلال رأی کمیسیون فرعی: به طور سنتی گفته می‌شود کمیسیون فرعی حقوق بشر توجه و دلسوزی بیشتری از کمیسیون حقوق بشر نسبت به مسأله حقوق بشر دارد. شاید علت این امر هم این باشد که اعضای کمیسیون فرعی حقوق بشر برخلاف کمیسیون حقوق بشر، براساس صلاحیت شخصی خود انجام وظیفه می‌نمایند، نه به عنوان نماینده دولت. هر چند این امر به تنهایی نمی‌تواند تضمین کافی بر استقلال رأی و عمل نمایندگانی باشد که به هر حال از سوی دولتها نامزد شده‌اند و طبعاً سیاست و موضع گیری دولتهای متبوع این افراد می‌تواند بر آنها اثر بگذارد ولی در عین حال نمی‌توان انکار کرد که مطلب تا حدودی متفاوت از کمیسیون حقوق

لازم به یادآوری است که به موجب قطعنامه شماره A/60/L/48 مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۴ فوریه سال ۲۰۰۶ میلادی، نهادی به نام «شورای حقوق بشر» (HUMAN RIGHTS COUNCIL) تأسیس شد که جایگزین کمیسیون حقوق بشر گردید. شورای حقوق بشر، مرکب از ۲۷ عضو از دولتهای مختلف است که براساس تقسیمات جغرافیایی با رأی مخفی اکثریت اعضای مجمع عمومی سازمان ملل برای مدت سه سال، انتخاب می‌شوند. شورای حقوق بشر، یک ارگان فرعی مجمع عمومی سازمان ملل، محسوب می‌شود، گزارش سالانه خود را به مجمع عمومی می‌دهد، مقرر آن همانند کمیسیون در ژنو است و سالانه حداقل سه اجلاس باید برگزار کند. ولی از نظر ماهوی، رسیدگی به مسائل حقوق بشری و نظام گزارش‌دهی و تعیین گزارشگر، شبیه کمیسیون حقوق بشر عمل می‌کند.

¹⁰ BUERGENTHAL: INTERNATIONAL HUMAN RIGHTS. P. 79

¹¹ نام قبلی این نهاد کمیسیون فرعی جلوگیری از تبعیض و حمایت از اقلیتها بود که به موجب قطعنامه شماره ۱۹۹۹/۲۵۶ شورای اقتصادی - اجتماعی سازمان ملل متحد در ۲۷ ژوئیه ۱۹۹۷ به این نام تغییر کرد.

¹² THE UNITED NATIONS AND HUMAN RIGHTS PP 17/46

بشر است که دقیقاً سیاست دولت‌های عضو اعمال می‌شود. در اینجا زمینه وجود افراد مستقل و آزاداندیش بیشتر وجود دارد.^{۱۳} کمیسیون فرعی مرکب از ۲۶ عضو است که از بین نامزدهای پیشنهادی دولت‌های عضو سازمان ملل از سوی کمیسیون حقوق بشر برای مدت چهار سال انتخاب می‌شوند و تجدید انتخاب آنها نیز بلامانع است.^{۱۴}

طبق قطعنامه ۱۹۸۲/۳۲ شورای اقتصادی و اجتماعی، همراه عضو کمیسیون فرعی ممکن است یک کارشناس دیگر نیز از همان کشور به عنوان عضو علی‌البدل انتخاب شود که در صورت غیبت عضو اصلی، انجام وظیفه نماید. اغلب کشورهایی که در کمیسیون فرعی عضو دارند، یک عضو علی‌البدل نیز دارند. کمیسیون فرعی حقوق بشر سالانه یک اجلاس در ژنو برگزار می‌کند و گزارش کار خود را به کمیسیون حقوق بشر می‌دهد.^{۱۵}

گروه‌های کاری: هر یک از کمیسیون حقوق بشر و کمیسیون فرعی حقوق بشر دارای گروه‌های کاری هستند که از چند کارشناس (معمولاً ۵ کارشناس) تشکیل شده و موضوعات خاصی را مورد بررسی قرار می‌دهند. مهمترین گروه‌های کاری کمیسیون حقوق بشر عبارتند از: گروه کاری ناپدیدشدگان اجباری، حق توسعه، حمایت از حقوق و آزادی‌ها، تدوین اعلامیه مربوط به مدافعین حقوق بشر، تدوین پروتکل اختیاری مربوط به کنوانسیون ضد شکنجه، و مهمترین گروه‌های کاری کمیسیون فرعی حقوق بشر عبارتند از: گروه کاری بردگی، صندوق اختیاری برای اشکال معاصر بردگی، گروه کاری افراد بومی، گروه کاری بررسی شکایت و...^{۱۶}

گفتار سوم: ماهیت حقوق بشر

«حقوق بشر» در زبان فارسی یا «حقوق الانسان» در زبان عربی یا «Human Rights» در زبان انگلیسی و یا «Droits de l'Homme» در زبان فرانسوی، عبارت است از حقوقی است که شخص از این حیث که انسان است از آن برخوردار می‌باشد، حقوق بشر در عین حال حقوقی غیرقابل سلب (Inalienable) هستند؛ زیرا فارغ از این که ما چگونه رفتار می‌کنیم، نمی‌توانیم برانزده چیزی غیر از انسان باشیم. به عبارت دیگر، هر فردی صرفاً از این حیث که انسان است، مستحق برخورداری از حقوق خود است. بر این اساس، اگرچه افراد به درستی تابع دسته وسیعی از تعهدات سیاسی و اجتماعی هستند، حقوق بشر مجموعه‌ای غیرقابل سلب از کالاها، خدمات و فرصت‌های فردی را معین و مشخص می‌کند که فرد فرد اجتماع در شرایط و اوضاع و احوال عادی موظف به رعایت و اجرای آن‌ها هستند.^{۱۷} به عبارت دیگر، انسان‌ها فارغ از اینکه در کجا زیست می‌کنند، به چه زبانی سخن می‌گویند، چه باورها و اعتقاداتی دارند و صرف نظر از تفاوت‌هایی که به لحاظ عوامل زیستی و اجتماعی بر آن‌ها عارض شده است، از حیث انسان بودن هیچ تفاوتی با هم ندارند. همین وجه مشترک تمام آحاد جامعه بشری، مبنای برخورداری آن‌ها از حقوق و آزادی‌هایی شده که مقید به زمان و مکان نیست. اعتقاد به حیثیت و کرامت و برابری تمام افراد نوع بشر - شالوده آن چه امروزه حقوق بشر نام گرفته است - مانند بسیاری از دیگر اصول اساسی، تقریباً در تمام فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، مذاهب و مشرب‌های فلسفی باز یافته می‌شود و نمی‌توان آن را مختص کشور و جامعه‌ای معین دانست. بنابراین حقوق بین‌الملل بشر یا حقوق اساسی نوع بشر مجموعه امتیازاتی است که با توجه به شأن و مقام انسان شکل گرفته است. فلسفه وجودی حقوق بین‌الملل بشر، اعتدالی منزلت این حقوق بوده است، تا آن‌که با رعایت موازین آن در سراسر جهان، همه افراد بشر بصورتی یکسان از این امتیازات بهره‌مند گردند. غایت این حقوق، حرمت نهادن به انسانیت انسان در تمام زمینه‌هاست. حق حیات، ممنوعیت شکنجه، ممنوعیت تبعیض، حق کار، حق تشکیل خانواده، حق آزادی بیان، حق آموزش و پرورش و بسیاری دیگر از حقوق که لازمه زیست اجتماعی انسان و رشد و شکوفایی همه جانبه شخصیت اوست در قالب مثلث آزادی، برابری و امنیت جای گرفته‌اند. (زمانی، ۱۳۸۵، ۷۲) بر همین اساس در خصوص مفهوم حقوق بشر، تعاریف متعددی از سوی حقوق دانان ارائه شده است که در این جا به دو تعریف بسنده می‌نماییم. در دایره‌المعارف حقوقی چاپ انتشارات دانشگاه آکسفورد، حقوق بشر به آن دسته از حقوق و آزادی‌هایی اطلاق شده است که هر فرد محق به دارا بودن آن‌هاست.^{۱۸} «پروفیسور بدوان» در فرهنگ حقوق بین‌الملل، حقوق بشر را چنین تعریف کرده است: حقوق بین‌الملل بشر یا حقوق انسان عبارت است از مجموعه امتیازاتی که با توجه به شأن و مقام انسان شکل گرفته است. فلسفه وجودی حقوق بشر، اعتدالی منزلت این حقوق بوده است تا آن‌که با رعایت موازین آن در سراسر جهان، همه افراد به صورتی یکسان از این امتیازات بهره‌مند گردند. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۷۹، ۱۵۶) برای شکوفایی حقوق بشر، آن را بر اصول پایه‌گذاری متکی می‌دانند که براساس آن، بشریت می‌تواند از زندگی شایسته در جلوه‌های متفاوت برخوردار شود، این اصول که در بادی امر، مولود اندیشه‌های فلسفی و اخلاقی و دینی می‌باشد و در آن سعادت بشری همواره مورد نظر است، در روابط فردی و اجتماعی، نظام حقوقی داخلی و بین‌المللی را بارور می‌سازد. برای این اصول پایه‌گذار، می‌توان از ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر الهام گرفت که اعلام می‌دارد: «تمامی افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند». اصول «حیثیت»، «آزادی» و «برابری» انسان‌ها

¹³ BUERGENTHAL: INTERNATIOL HUMAN RIGHTS P.83

^{۱۴} همان

^{۱۵} بنگرید: THE UNITED NATIONS HAND BOOK - 1994, P, 94

^{۱۶} حقوق بشر در اسناد بین‌المللی؛ پیشین و: HAND BOOK، پیشین صفحات ۹۵-۱۰۰

^۲ دانلی، جک، دموکراسی، توسعه و حقوق بشر، ترجمه: حسین شریفی طرازکوهی، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۳، ۱۳۸۱، صص ۵۵-۵۴.

²- A concise Dictionary of law. Oxford university press, 1990, p 194.

در عین آن که به عنوان منبع حقوق قابل درک است؛ به قواعد حقوقی، ارزش و محتوا می‌بخشد و به طور مستقیم یا غیرمستقیم ایجاد قاعده می‌کنند. (هاشمی، ۱۳۸۴، صص ۲۰۱ - ۲۰۳)

بند اول: اصل حیثیت و کرامت انسانی

اعتراف به بنیادی بودن حیثیت و کرامت انسانی (Human Dignity) سابقه طولانی دارد و ادیان و مذاهب گوناگون نیز بر اهمیت آن تأکید کرده‌اند. هرچند که تاریخ بشریت حکایت از ناهنجارهای حرمت شکن انسانی همچون کشتار جمعی، تخریب، جنگ، استثمار، بردگی و ظلم و تجاوز می‌کنند و در این روند است که حیثیت و منزلت انسانی همواره مخدوش و پایمال شده است؛ با وجود این خاطره مصیبت بار بزرگ، توسعه تدریجی افکار بشری مبارزات و انقلابات انسان دوستانه، از یک سو نفرت عمومی از جنگ‌های خانمان برانداز، از سوی دیگر، اصل حمایت از کرامت انسانی و ضرورت احترام به آن در اسناد بین‌المللی و قوانین اساسی کشورها مورد تأکید قرار گرفته است. (هاشمی، ۱۳۸۴، صص ۲۰۱ - ۲۰۳)

بند دوم: اصل آزادی

آزادی (Liberty) عبارت از حقی است به موجب آن، افراد بتوانند استعدادها و توانایی‌های طبیعی و خدادادی خود را به کار اندازند، مشروط بر آن که آسیب یا زیانی به دیگران وارد نماند. آزادی در جوهره وجود آدمی است و فلاسفه نوعاً معتقدند که انسان آزاد متولد شده است. (موحد، ۱۳۸۴، صص ۲۱۳ - ۲۳۷) به این ترتیب، طبع اولیه افراد مبتنی بر آزادی است و این آزادی خواهی است که به عنوان ماهیت و جوهره اصلی منجر به استقرار دموکراسی پایدار خواهد شد. به عبارت دیگر، اعتقاد به آزادی تعادل اجتماعی را به دنبال می‌آورد. آزادی توأم با آزادی خواهی متکی بر سه اصل مسلم است:

تقدم اصالت فرد بر جامعه: علی‌رغم آن که فرد به وسیله جامعه احاطه می‌شود، برای آن که بتواند به حیات فردی خود در جامعه ادامه دهد باید از استقلال لازم و کافی برخوردار باشد و جامعه نیز به این استقلال احترام بگذارد. تحمل: اجتماعی بودن افراد، انسان‌های عدیده‌ای را رو در روی یکدیگر قرار می‌دهد. استقلال و آزادی کامل هر یک تراحم متقابل را پدیدار می‌سازد. طبع اجتماعی اقتضاء می‌کند که افراد، با صرف نظر کردن از قسمتی از آزادی خود زمینه را برای هم‌زیستی فراهم آورند و به این ترتیب یکدیگر را تا آن حد تحمل کنند که هم جامعه پایدار بماند و هم موجودیت خود را حفظ نمایند. رد هرگونه استبداد: تحمل متقابل انعطاف فردی را اقتضاء می‌کند که به موجب آن افراد باید این انصاف را در خود بپروانند تا ردی و اندیشه یکدیگر را احترام بگذارند. در غیر این صورت، آزادی رخت بر خواهد بست و سلطه فردی جایگزین آن خواهد شد. (هاشمی، ۱۳۸۴، صص ۲۱۰ - ۲۰۸)

بند سوم: اصل برابری

اصل برابری (Equality) عبارت از این است که تمام افراد دارای حقوق و تکالیف یکسان باشند. زمینه اصلی و اساسی حقوق و آزادی‌های فردی را باید در برابری انسان‌ها یافت. تا وقتی بین افراد مساوات کامل از هر لحاظ برقرار نشود، محال است که در جامعه‌ای عدالت و برابری و آزادی تحقق یابد. اختلافات اجتماعی به هر شکلی که باشد راه را برای ظلم و تجاوز و بیدادگری هموار می‌نماید و کلیه اصول را که زیر پوشش حقوق بشر قرار دارد، ناممکن می‌سازد. به همین خاطر است که برای تحقق دموکراسی، مساوات را اصل و آزادی را فرع می‌دانند. امروزه وقتی سخن از برابری می‌شود، یکی از سه مفهوم فوق در نظر گرفته می‌شود: نخست، برابری ماهوی و ساختاری در جامعه بطوری که مواهب و خیرات جامعه یکسان و خالی از هر نوع تحدید و تخصیص، برای تمتع همه شهروندان در دسترسی آنان قرار گیرد. دوم، برابری عملی یعنی توانایی شهروندان به برخورداری از فرصت‌ها و امکانات که برای بهره‌مندی از برابری ماهوی ضرورت دارد. سوم، برابری کارکردی به معنی بی‌طرفی مصادر امور و عدم تبعیض و دخالت ندادن دوستی‌ها و دشمنی‌ها از سوی متصدیان مشاغل اجرایی و قضایی است که کلید تقسیم و توزیع مواهب و خیرات را به دست دارند. (موحد، ۱۳۸۱، صص ۲۱۱ - ۲۱۲)

گفتار چهارم: تاریخچه حقوق بشر

می‌توان گفت که نظام جدید بین‌المللی حقوق بشر دستاورد هم‌اندیشی‌ها و تلاش‌های واحدهای سیاسی از هنگام جنگ جهانی دوم است. نقض گسترده حقوق بشر و جنایات و فجایع ضد انسانی دوران جنگ، دولت‌ها را بر این باور قرار داد که اگر یک نظام مؤثر پشتیبانی از حقوق بشر در جامعه ملل وجود داشت، ممکن بود این‌گونه نقض حقوق انسانی و احتمالاً جنگ رخ ندهد. بنابراین در همان اواسط جنگ جهانی دوم مسأله توجه بین‌المللی به مسایل اساسی حقوق بشر مطرح شد. به گونه‌ای که در سال ۱۹۴۱ «فرانکلین روزولت» رئیس جمهور آمریکا در سخنرانی خود موسوم به «چهار آزادی» همگان را بر ایجاد جهانی مبتنی بر آزادی بیان، آزادی مذهب، آزادی از فقر و نیاز و آزادی از ترس فرا خواند. (ذاکریان، ۱۳۸۳، ۲۶۳) فرایند حقوقی در پیدایش حقوق بشر به گونه‌ای مؤثر با اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ آغاز گردید. اولین سند هم (منشور ملل متحد ۱۹۴۵) متضمن تأیید و بیان مکرر «ایمان و

اعتقاد بر حقوق اساسی انسان، کرامت و ارج گذاری بر کرامت افراد بشر، حقوق برابر زن و مرد و حقوق ملل کوچک و بزرگ» بود. یکی از دست‌آورد‌های اساسی و مهم تدوین کنندگان منشور، تأکید بر اهمیت عدالت اجتماعی و حقوق انسانی به عنوان مبنا و اساس نظم بین‌المللی با ثبات بود. اما منشور تعدداً در خصوص تشویق به احترام و رعایت حقوق بشر، مبهم و مجمل است. در کنفرانس سان فرانسسکو، این پیشنهاد که ملل متحد باید نه تنها ارتقاء، بلکه در عین حال حمایت از حقوق بشر را تأمین و تضمین نماید، پذیرفته نشد. سه سال بعد در دهم دسامبر ۱۹۴۸، مجمع عمومی ملل متحد با اکثریت آراء، اعلامیه جهانی حقوق بشر را پذیرفت که ۴۸ دولت رأی مثبت، ۹ دولت رأی منفی و ۸ دولت رأی ممتنع به آن دادند. (دولت‌هایی که به اعلامیه حقوق بشر رأی ممتنع دادند عبارتند از: «بیلوروسی، چکسلواکی، لهستان، عربستان سعودی، اوکراین، شوروی سابق، اتحادیه افریقای جنوبی سابق، یوگوسلاوی) آراء ناظر بر اعلامیه جهانی حقوق بشر و قطعنامه‌های بعدی مجمع عمومی، حداقل روی کاغذ، جهانی شدن حقوق بشر را طرح نمودند. در سال ۱۹۶۰، مجمع عمومی قطعنامه تضمین استقلال کشورها و مردم مستعمره را پذیرفت. ماده ۷ این اعلامیه اشعار می‌دارد: «همه دولت‌ها باید با حسن نیت مقررات منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه حاضر را ... رعایت نمایند.» به استثنای افریقای جنوبی، همه کشورهای که در سال ۱۹۴۸ رأی ممتنع داده بودند، به این ماده رأی مثبت دادند. (شریفی طراز کوهی، ۱۳۷۷، ۹۱) سازمان ملل متحد و ارگان‌های تخصصی وابسته آن نقش مهمی را در طول حیات شصت ساله خود در زمینه تدوین، اجرا و گسترش نظام بین‌المللی حقوق بشر ایفا کردند. پطروس گالی دبیر کل سابق سازمان ملل متحد در زمینه جهانی شدن حقوق بشر معتقد است سازمان ملل در پنج مرحله تاریخی در رابطه با حقوق بشر اقدام کرده است:

(الف) استقرار نظام حقوق بشر: از تصویب منشور ملل متحد تا تصویب اعلامیه حقوق بشر (۱۹۴۸ - ۱۹۴۵)

(ب) پیشرفت و توسعه نظام حقوق بشر: حرکت به طرف پذیرش میثاقین بین‌المللی حقوق بشر یعنی میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی (۱۹۶۶-۱۹۴۹)

(ج) اجرای نظام حقوق بشر: از اجرای میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر، توسعه فعالیت‌های سازمان در زمینه استقرار استانداردهای بین‌المللی و ایجاد سازوکارهایی برای نظارت بر خشونت‌های ضد حقوق بشری تا برگزاری دومین کنفرانس جهانی بشر در وین (۱۹۹۳ - ۱۹۷۶). ضمناً آثار پایان جنگ سرد بر تکامل حمایت از حقوق بشر و توانا شدن ارگان‌های سازمان ملل در این رابطه قابل ملاحظه است.

(د) گسترش نظام حقوق بشر: کنفرانس جهانی وین در موضوع حقوق بشر و پیگیری مصوبات آن (۱۹۹۵-۱۹۹۳) این کنفرانس یک مرحله مهم در خط مشی سازمان ملل در زمینه حقوق بشر بود. زیرا اعلامیه کنفرانس با اجماع پذیرفته شد، به طوری که سازمان را در تعقیب و تقویت فعالیت‌های آن در جهت احترام به حقوق بشر به عنوان یک هدف با اولویت در سطح توسعه و دموکراسی تشویق کرد.

(ه) مرحله حرکت به سوی ضمانت اجرایی جدید در زمینه حقوق بشر (از سال ۱۹۹۵ به بعد). این ضمانت‌های اجرایی دو حوزه را پوشش می‌دهد: اول ضمانت‌های عملیاتی که به اجرای حقوق بشر در عملیات حفظ صلح مربوط می‌شود. دوم ضمانت‌های حقوقی (قضایی) که دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و به عنوان مثال در مورد یوگوسلاوی سابق و رواندا مورد توجه قرار می‌دهد. نتیجه این‌که امروزه بیش از هر زمانی در تاریخ، شرایط برای تبدیل و عملی ساختن یک امید بزرگ به واقعیت محیا می‌باشد؛ بدین شکل که تمام نیروی انسانیت جهت کسب بالاترین، عالی‌ترین و با ارزش‌ترین هدف حقوق و آزادی‌های حقوق نوع بشر اختصاص یابد.

نتیجه‌گیری

ارکان سازمان ملل متحد به گونه‌ای سازمان داده شده‌اند که در تعارض کارکردی با هم قرار نگیرند. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، بین پنج نهاد اصلی تشکیل دهنده سازمان ملل، تنها جایی است که تمامی اعضای سازمان در آن حضور دارند. چهار نهاد اصلی دیگر سازمان ملل شامل شورای امنیت، شورای اقتصادی و اجتماعی، دبیرخانه و دیوان بین‌المللی دادگستری هستند. براساس منشور سازمان ملل متحد، کارکرد مجمع عمومی شامل بحث، بررسی و ارائه توصیه‌هایی درباره طیف متنوعی از موضوعات مرتبط با صلح و امنیت بین‌الملل، شامل توسعه، خلع سلاح، حقوق بشر، قوانین بین‌المللی، و حکمیت مسالمت‌آمیز بین ملت‌های متنازع است. مجمع عمومی سازمان ملل همچنین اعضای غیردائم شورای امنیت و دیگر نهادها همچون شورای حقوق بشر را انتخاب کرده و براساس توصیه شورای امنیت، دبیرکل را تعیین می‌کنند. با توجه به جنبش حقوق بشری در جهان به حمایت حقوق بشر اشخاص مرتبط بوده و فقط تا جایی که عملکرد دولت آن حقوق را متأثر سازد دولت را نیز شامل می‌گردد، واقع امر این است که بخش اعظم حقوق بین‌الملل ساخته دولتهاست. به همین دلیل اسناد بین‌المللی در مرحله اول بر تعهدات دولتها متمرکز هستند. ولی دی.دی. در خلال سالهای فعالیت تصمیمات مهمی در خصوص حقوق بشر اتخاذ نموده است. خصوصاً در سالهای اخیر در پرونده‌هایی که در مورد استفاده از زور، ژنوسید و... بوده دیوان در حمایت از حقوق بشر نقش مهمی ایفا نموده است. و دلیل آن، این است که دیوان رکن اصلی قضایی سازمان ملل است و ذاتاً نمی‌تواند از تصمیم‌گیری در امور مربوط به حقوق بشر که سازمان ملل حامی آن است خودداری کند. از بررسی تصمیمات دیوان می‌توان اصول ذیل را استخراج نمود: ۱- حقوق بنیادین هر شخص انسانی، دولتها را در برابر کل جامعه بین‌المللی متعهد می‌سازد. چنین تعهدی را می‌توان در اعلامیه جهانی حقوق بشر، منشور ملل متحد و دیگر اسناد بین‌المللی یافت. حقوق بشر جهانی در بردارنده حقوق بنیادین همه انبای بشر است و این نوع حقوق به خوبی در اعلامیه جهانی

حقوق بشر دیده می شود خصوصا جایی که مقرر می دارد شناسایی ذاتی حقوق برابر همه خانواده انسانی زیر بنای آزادی، عدالت و صلح جهانی است نکته دیگر این که وقتی گفته می شود حقوق بشر محسوب می شود این امر بار حقوقی دارد بدین معنی که در مقابل آنها اصولا کسانی تکلیف دارند. به عبارت دیگر رعایت حقوق بشر حالت آمرانه دارد نه تخییری بعضی از تعهدات خاص مربوط به حقوق بشر در حقوق بین الملل صریحا توسط دیوان به عنوان حقوق بین الملل عرفی پذیرفته شده است. مثلا در قضیه حق شرط تحفظات) نسبت به کنوانسیون منع و مجازات جرم ژنوسید دیوان اصولی را که در کنوانسیون مذکور وجود دارند بدون در نظر گرفتن این که از معاهده ناشی می شوند با اخیر به دلیل عرفی بودن برای دولتها لازم الاجرا می داند از رویه دیوان می توان استنباط نمود که علی رغم این که گاهی نگاههای متفاوتی به مسأله حقوق بشر می شود ولی در مجموع دیوان نقش سازنده ای در این زمینه داشته و انتظار می رود نقش آن در توسعه تدریجی حقوق بین الملل بشر در آینده نیز ادامه یابد. گرچه در میان حقوقدانان، از جمله پروفیسور لاتریخت، گرایشی نسبت به توسعه صلاحیت دیوان ماورای بند ۱ ماده ۳۴ اساسنامه همچنان وجود دارد ولی این کار فقط در صورت اصلاح آن اساسنامه ممکن است. اما علی رغم محدودیتهای قانونی دیوان باید نقش مهمتری را در حمایت از حقوق بشر ایفا نماید. خصوصا این که با توجه به گسترش دیوانهای متعدد رسیدگی به دعاوی حقوقی از جمله تشکیل دیوان بین المللی رسیدگی به جرایم ارتكابی در سرزمینهای متعلق به یوگسلاوی سابق و دیوان بین المللی رواندا و همچنین تأسیس دیوان بین المللی کیفری، احتمال صدور آرای متناقض توسط این مراجع و د.ب.د در موارد مشابه وجود دارد مسأله حقوق بشر امری است زنده و نمی توان با تئوریهای گذشته به پرسشهای پیرامون آن پاسخ داد. وقتی صحبت از جهانی شدن حقوق بشر است مسأله حقوق بشر ماورای روابط دولتها تصور می شود و اصولا مربوط به افراد است نه دولتها. به همین دلیل در اسنادی چون اعلامیه جهانی حقوقی بشر و میثاقین، حقوق را منتسب به افراد نموده است. البته مدل پذیرفته شده در اروپا و آمریکا هنوز در روابط جهانی موجود نیست. پروتکل ۱۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر صریحا اجازه طرح دعوی مستقیم توسط افراد در دادگاه اروپایی حقوق بشر را می دهد. در این دو سیستم افراد حق اقامه دعوا به طور مستقیم را دارند. در حال حاضر از حقوق افراد، شرکتها و سازمانهای غیردولتی به صورت غیر مستقیم در دیوان دفاع می شود و این زمانی است که دیوان به یک دعوی بین دولتی رسیدگی و یا معاهدهای مربوط به حقوق بشر را تفسیر می کند. (شاید به همین دلیل است که قاضی دا معتقد است اگر دیوان به طور مستقیم برای نجات یک نفر مداخله کند این نوعی خروج از وظیفه توسط ارگان قضایی سازمان ملل متحد تلقی می گردد زیرا دیوان ضروره برای حل و فصل دعاوی دولتها و در مورد حقوق و تکالیف آنهاست. بنابراین او معتقد است به بهانه حمایت از حقوق بشر نباید دیوان وارد چنین قضایی کرد.

منابع

۱. مهرپور، حسین (۱۳۷۷) نظام بین المللی حقوق بشر، تهران، انتشارات اطلاعات،
۲. یزدانیان، علیرضا، (۱۳۸۶)، حقوق مدنی قواعد عمومی مسئولیت مدنی، ج ۱، تهران، نشر ۲۶۳.
۳. آقایی جنت مکان، حسین، ضرورت تشکیل دادگاه جهانی حقوق بشر، مجله اندیشه های حقوق خصوصی، سال پنجم شماره ۱۳، ۱۳۸۷.
۴. مهرپور، حسین، حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، نشر اطلاعات، ۱۳۷۷، تهران.
۵. نام قبلی این نهاد کمیسیون فرعی جلوگیری از تبعیض و حمایت از اقلیتها بود که به موجب قطعنامه شماره ۱۹۹۹/۲۵۶ شورای اقتصادی - اجتماعی سازمان ملل متحد در ۲۷ ژوئیه ۱۹۹۷ به این نام تغییر کرد.
۶. THE UNITED NATIONS HANDBOOK - 1994, P, 94
۷. حقوق بشر در اسناد بین المللی؛ پیشین و: HANDBOOK، پیشین صفحات ۱۰۰-۹۵
۸. دانلی، جک، دموکراسی، توسعه و حقوق بشر، ترجمه: شریفی طراز کوهی، حسین، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۳، ۱۳۸۱،
۹. زمانی، سید قاسم، موازین بین المللی حقوق بشر و بازداشت محکومین مالی در ایران، مجله حقوقی، شماره ۳۵، ۱۳۸۵.
۱۰. ضیائی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین الملل بشر در آستانه قرن بیست و یکم»، فصلنامه پژوهش حقوقی و سیاست، سال ۲ - ۱، شماره ۳ - ۲، ۱۳۷۹،
۱۱. هاشمی، سید محمد، (۱۳۸۴) حقوق بشر و آزادی های اساسی، تهران، میزان،
۱۲. موحد، محمد علی، (۱۳۸۱) در هوای حق و عدالت، از حقوق طبیعی تا حقوق بشر، تهران، نشر کارنامه،
۱۳. ذاکریان، مهدی، مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین المللی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۳،
۱۴. دولت هایی که به اعلامیه حقوق بشر رأی ممتنع دادند عبارتند از: «بیلوروسی، چکسلواکی، لهستان، عربستان سعودی، اوکراین، شوروی سابق، اتحادیه افریقای جنوبی سابق، یوگسلاوی».
۱۵. شریفی طراز کوهی، حسین، حقوق بشر در پرتو تحولات بین المللی، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۷۷.

1. Haas, Michae, International Human Rights: A comprehensive Introduction, New York: Routledge, 2008,

2. The International Bill Of Human Rights: Fact Sheet No 2/ Center For Human Rights United Nations Geneva / 1996 P3

3. fact sheet.no.2.p4 concerned howere that dsipte of these various instruments extensive discrimination against women continues to exsist.

4. Human Rights Discrimination Against Women The Convention And The Committed Fact Sheet No 22 United Nations Geneva Movember 1994 , P 5.
5. Acompilation Of International Instrument P . 112.
Buergethal, Thomas,2002, International Human Rights In A Nutshel, Third Edition, West Group, P.26.